■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۵۰۵ ■ سه‌شنبه ■ ۱۱ آذر ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۴ | اذان مغرب ۱۷/۱۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۹ | اذان صبح فردا ۵/۲۸ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۷

سخن روز

امام صادق(ع): آیا به شما بگویم که مکارم اخلاق چیست؟ گذشت کردن از مردم، کمک مالی به برادر (دینی) خود و بسیار به یاد خدا بودن.

معانی الأخبار، ص۱۹۱، ح ۲

مسعود دلخواه: فضای مجازی در حوزه آموزش به بازار مکاره تبدیل شده است

در مورد تئاتر آنلاین معتقدم هیچ کس نباید مخالفش باشد و از آن طرف کسی هم نباید بگوید تئاتر یعنی این. باید از افراط و تفریط بپرهیزیم... اما اینجا باید یک هشدار بدهم؛ متأسفانه فضای مجازی در حوزه آموزش، مخصوصاً آموزش تئاتر بازار مکاره‌ای است که هر کسی به هر شکلی که بتواند از آن استفاده می‌کند و سلبریتی‌های الکی و شاخ‌های اینستاگرام مثل قارچ رشد می‌کنند و با اینکه ریشه‌ای ندارند، خودشان را به عناوین مختلف مطرح می‌کنند. استادانی هستند که با جان و دل و پس از سال‌ها تلاش، دارند راه‌های انتقال تجربیات‌شان را از طریق تکنولوژی و فضای مجازی پیدا می‌کنند و در مقابل کسانی هستند که نه اسم‌شان را شنیده و نه خوانده‌ایم اما پشت سرهم کلاس‌های تئاتری و حتی گاهی با عناوین عجیب برگزار کرده و درس می‌دهند. برای همین می‌گویم فضای مجازی به بازاری مکاره تبدیل شده که دوغ و دوشاب در آن باهم قاتی شده و مروارید و خرمهره درهم است.

بخشی از صحبت‌های این نمایشنامه‌نویس، مترجم و کارگردان تئاتر با ایلنا

مدرسه بیابانی
بود محصور به
چهاردیواری با
یک ردیف اتاق و
جلوی آنها ایوانی
سرتاسری و بر پیشانی
بنا سرتیرهای سقف
نامرتب بیرون زده و
گره گوره دار، داد می‌زد
به عجله ساخته‌اند...

نفرین زمین
جلال آل احمد
نشر «معیار اندیشه»

نـــگاره
سهیل محمدی

کرونا و آلودگی هوا

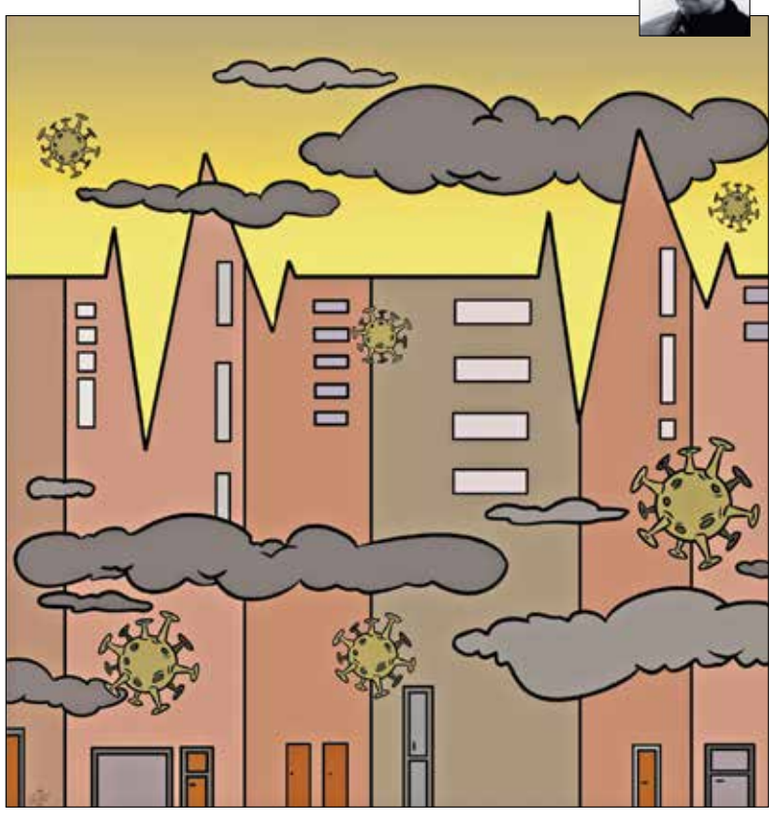

#خوزستان

هشتگ

سیلابی که پس از بارندگی‌های شدید، شهرهای استان خوزستان را درگیر کرده، موضوعی است که از دیروز در شبکه‌های اجتماعی زیاد به آن پرداخته می‌شود. عکس‌ها و فیلم‌های زیادی از سیلاب در ماهشهر و اهواز منتشر شده و کاربران درباره مشکلات مردم و همزمانی کرونا و قرنطینه و سیلاب می‌نویسند و البته از اینکه به این مشکلات خوزستان رسیدگی نمی‌شود، گلایه می‌کنند: «دوستان! عزیزان! این کلیپ‌هایی که از غرق شدن اهواز می‌بینید رو دوباره با دقت نگاه کنید. این آب خالی نیستا! این مخلوطی از آب و فاضلابه! فاضلاب شهری و صنعتی! فضولات انسانی و حیوانی! به عمق فاجعه پی بردید؟»،

«خونه برادرم رو آب گرفته اما در مقابل این فاجعه هیچه. حداقل فرصت پیدا کردن و دارن وسایل رو جمع می‌کنن. این بیچاره‌ها رو ببینید. این زندگی مگه جمع شدنیه؟ وسط کرونا و گرونی.»، «ماهشهر و سربندر و بسیاری از نقاط اهواز را آب برد...»، «وضعیت سیل ماهشهر و سربندر افتضاحه. خونه‌های طبقه همکف کامل زیر آب رفته، اجناس مغازه‌ها و پاساژها با سیل خراب شده و کسی نمی‌تونه بیرون بره. با ماشین تردد امکان‌پذیر نیست. فاضلاب‌ها بازه، خطر برق‌گرفتگی هم هست. هیچ کمک غیرمردمی نیست و مردم خودشون دارند به‌هم کمک می‌کنند.»، «پایتخت پتروشیمی ایران، این‌گونه در آب است...»، «کرونا، برگشتِ فاضلاب، آب باران و سیلاب، از هر طرف خوزستان در رنج است.»، «مشاهدات من می‌گه حداقل در اهواز تانکر میارن آب جاده رو تخلیه کنن در تانکر»، «آی آدم‌ها! که در پایتخت نشسته، شاد و خندانید؛ خوزستان دارد غرق می‌شود در آب...»، «بیشتر فامیل من اهوازن و وضعیت زندگیشون چندان تفاوتی نداره. حیاط‌هاشون رو آب گرفته و هر لحظه منتظرن فاضلاب بزنه بیرون توی خونه‌هاشون!»، «اهواز یک روز پس از بارندگی. سفر رایگان به ونیز را در اهواز تجربه کنید»، «آیا نسل ما روزی رو خواهد دید که مشکل آب‌گرفتگی اهواز حل شده باشه؟»، «صحبت از پیشگیری کرونا و رعایت دستورات بهداشتی و پروتکل‌ها با وجود سیستم معیوب فاضلاب اهواز که هر سال موقع باران تلی از نجاست را به خانه مردم روانه می‌کند یک جوک تلخ است، مردمی که در این شرایط هستند با ماسک بیمه نمی‌شوند.»، «اگر اهواز و بقیه شهرهای خوزستان لایروبی و ترمیم آب روها انجام می‌شد، اکنون یک باران فصلی چنین بلایی سر مردم نمی‌آورد. در این شرایط کرونایی با این گنداب سیل، چه عاقبتی نصیب خانواده‌ها خواهد شد؟»، «علت آبگرفتگی در اهواز چیست؟ سطح هموار و بدون شیب شهر، شبکه فرسوده فاضلاب، عدم برخورداری از شبکه دفع آب‌های سطحی و حجم بالای بارندگی در زمان کم»، «وقتی بارون میاد توی تهران استوری میذارن، توی خوزستان آب‌بند.»

اشتباه جنجالی

ماجرا

اشتباه علی خضریان نماینده مجلس در تلفظ کلمه‌ای انگلیسی در برنامه تلویزیونی جنجالی شد. او که درباره برجام و در مخالفت با آن صحبت می‌کرد گفت ایران اجازه بازرسی را به آژانس در هر زمان و مکانی داده و کلمه انگلیسی آن هم در برجام ذکر شده است؛ آنی ور، آنی تایم. که منظورش anytime anywhere بود. این اشتباه باعث شد بحثی جدی و شوخی بین کاربران شکل بگیرد: «با چه قاطعیتی هم می‌گه: آنی ور -آنی تایم»، «آنی ور، آنی تایم! خدایا اینا رو از ما نگیر، کار درستی که نمی‌کنند اما حداقل موجب انبساط خاطر ما می‌شوند»، «موندم چطور مدرک می‌گیرن؟ چطور ارشد و دکترا می‌گیرن در حالی که ساده‌ترین کلمات زبان انگلیسی رو نمی‌تونن تلفظ کنن؟ بابا ارشد و دکترا مقاله isi می‌خواد. برای نوشتن یک مقاله حداقل باید ۱۰۰ تا مقاله روز دنیا رو بخونی. اونوقت اینا...»، «ما برای اینکه حفظ کنیم دیکشنری رو می‌گفتیم دیکتیوناری ولی اینا واقعاً همین شکلی تلفظ می‌کنن.»، «مگه شرط تأیید صلاحیت مجلس حداقل تحصیلات فوق لیسانس نبود؟ سه واحد زبان عمومی هم پاس نکردن یه نماینده مجلس پیشکش، یعنی هیچ جوره هم نشنیدی؟»، «اغلب مخالفان (نه منتقدین) پر سروصدای برجام:- حتی نمی‌توانند متن انگلیسی برجام را از رو بخوانند، - یک مذاکره دیپلماتیک سطح بالا را از نزدیک ندیده‌اند و تصوری از آن ندارند، - با نفس مذاکره با امریکا مشکل ندارند، بلکه می‌گویند ما بهتر انجام می‌دهیم»، «کاش حداقل واژه‌های سخت رو برای سوتی دادن انتخاب می‌کردن»، «خیلی دارم تلاش می‌کنم که با آنی ور، آنی وی، آنی تایم، آنی وان و نظایرش خوشمزه بازی در نیارم ولی نمی‌شه. یادمه یکی‌شون می‌گفت من هشتاد بار متن برجام رو خوندم. الان می‌فهمم چه جوری خونده»، «تلفظ «آنی تایم آنی ور» درمورد هر چیز جز سیاست خارجی، قابل اغماض بود؛ الان شک داریم این نماینده مجلس، سواد خواندن یک متن ساده به انگلیسی را داشته باشد. محتوای تخصصی که بماند! متأسفانه، این اتفاق درمورد تصمیم‌گیری برای اینترنت و فضای مجازی هم می‌افتد.»، «پس از تلاش ناموفق آقای دکتر علی‌اکبر رنجبرزاده در تلفظ موزه لوور، این بار شاهد حماسه آنی ور و آنی تایم علی خضریان نماینده مجلس و فوق لیسانس علوم سیاسی هستیم.»، «ندانستن زبان انگلیسی اصلاً شرم‌آور نیست اما خضریان نماینده مجلس که ادعای فوق لیسانس علوم سیاسی دارد، چطور دروس انگلیسی راهنمایی و دبیرستان و دانشگاه را پاس کرده که هنوز تلفظ «anytime anywhere» رو نمی‌دونه؟»

شهروند مجازی

یگانه خدامی

یک برنامه‌ریزی هدفمند برای به‌تکرار نیفتادن جشنواره موسیقی نواحی

یادداشت

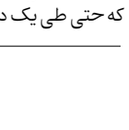

هوشنگ جاوید
پژوهشگر موسیقی نواحی و عضو شورای علمی سیزدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران

جشنواره موسیقی نواحی، از بزرگ‌ترین جشنواره‌های ملی ایران است که متأسفانه به دلیل اجرایی نشدن استراتژی تعریف شده آن، از ابتدای کار با برنامه‌ریزی درست و اصولی حرکت نکرده است. در واقع از دوره‌های دوم و شاید سوم برگزاری این جشنواره، بعضاً شاهد حضور تکراری هنرمندان یا گروه‌های موسیقی بوده‌ایم که در ادوار متعدد این جشنواره شرکت داشته‌اند و تنها تفاوت آن کسب مقام‌های متفاوت چون اول، دوم و سوم در دوره‌های مختلف بوده است. بنابراین حضور مداوم گروه‌ها و چهره‌های شناخته شده از طریق این جشنواره یا اجرای برنامه‌های دیگر موجب شده بود این جشنواره در یک روند تکراری قرار بگیرد تا آنجا که یک تعداد از افراد یا گروه‌ها به نوعی جشنواره‌رو باشند و برحسب عادت، این انتظار به وجود آمده بود که هر سال در جشنواره شرکت کنند و اگر این اتفاق انجام نمی‌گرفت عده‌ای به دنبال بهانه‌جویی بودند که چرا فلان گروه یا هنرمند به جشنواره دعوت نشده است. این موضوع تا آنجا پیش رفت که سرانجام در سال‌های قبل به مسئولان برگزاری جشنواره پیشنهاد کردم برای حذف این روند تکراری بهتر است جشنواره موسیقی نواحی با موضوع و محتواهای متفاوت و هدفمند پیش برود و براساس موضوع تعریف شده، افراد شناخته شده در آن حرفه به جشنواره دعوت شوند. در واقع با این روش، میدان کار وسیعی برای افراد ناشناخته فراهم می‌شود. اگر این موضوع ۱۰ سال قبل انجام می‌گرفت و روند جشنواره به درستی حرکت می‌کرد امروز شاهد حضور ده‌ها هنرمند درجه یک در زمینه‌های مختلف موسیقی نواحی بودیم تا از این پس با درگذشت استادان بزرگی چون پورعطایی و درپور، از نبود جانشین برای این بزرگان تأسف نخوریم. به عنوان مثال پیشنهاد من به سیزدهمین دوره جشنواره موسیقی نواحی، موضوع دوبیت‌خوانی یا آواز محلی بود تا فرصتی باشد برای خواننده‌هایی که حتی طی یک دهه گذشته هیچ‌گاه اجازه شرکت در این جشنواره را نداشته‌اند و همچنین فرصت معرفی باشد برای گروه‌های مستعد موسیقی نواحی که در جشنواره‌های استانی یا ملی حضور کمتری داشته‌اند. بطور مثال حدود ۸۰ درصد شرکت‌کنندگان جشنواره امسال، گروه‌های متبحری بودند که برای اولین بار در یک جشنواره ملی حضور پیدا می‌کردند و این افراد بر اساس پژوهش و تحقیق شورای علمی این جشنواره انتخاب شده بودند. به عنوان نمونه خود من نزدیک به ۹۵ نفر هنرمند فعال در زمینه دوبیتی‌خوانی به آقای صدری دبیر جشنواره معرفی کردم تا اگر جشنواره در شرایط عادی برگزار شد، این افراد معرفی شوند، اما متأسفانه گسترس بیماری کرونا تمامی این برنامه‌ریزی‌ها را بهم ریخت و از این تعداد تنها ۹ نفر توانستند در جشنواره شرکت کنند و مابقی افراد همچنان ناشناخته باقی ماندند. من بر این باورم اگر این بیماری همچنان ادامه پیدا کند صدمه شدیدی به جامعه هنری هنرمند ما وارد خواهد کرد و اگر این برنامه در شرایط بهتر برگزار می‌شد، قطعاً از این تعداد افراد معرفی شده حتی اگر ۶ نفر آنها هم مورد استقبال جامعه قرار می‌گرفتند و صدا و هنرشان مورد پذیرش می‌بود، حداقل تا ۱۰ سال آینده یا شایدم بیشتر، در صحنه هنری حضور داشتند و این موضوع به لحاظ آتیه موسیقی نواحی کشورمان می‌تواند اتفاق خوبی باشد و این امیدواری وجود دارد که از این جشنواره هنرمندان کاربلد و با مهارتی معرفی شده‌اند که هم در خدمت مردم هستند و همچنین در جشنواره‌های بین‌المللی حضور درخشانی دارند و نکته دیگر اینکه هنرمندانی که شناخته می‌شوند به جشنواره‌روی عادت نمی‌کنند و بیشتر به ارتقای کار خود و تمرین اصالت‌ها می‌پردازند. چرا که تمام سرمایه یک ملت ۸۰ میلیونی بیش از این است و آنچه که از نظر فرهنگی لازم است، بهتر شناسانده شدن هنرمندانی است که در گوشه و کنار کشور ما هستند و هر کدام به نوعی می‌توانند آینده موسیقی ایران را رقم بزنند.

براین اساس می‌توان گفت اگر جشنواره موسیقی نواحی ایران با برنامه‌ریزی مدون و هدفمند حرکت کند و موضوعات مختلف اقوام موسیقی ایران مورد توجه قرار بگیرد، می‌توان به آینده و رشد موسیقی نواحی ایران امیدوارتر بود.

توقف تولید سریال کم مخاطب

این راه را ادامه بدهید!

یادداشت

محدثه واعظی‌پور
روزنامه‌نگار

در همسایگی ما صنعت سریال‌سازی ترکیه به اندازه صنعت توریسم آن، پولساز و مشهور است، حتی می‌شود گفت عنصری است در خدمت توریسم. سریال‌های ساخت این کشور نه تنها برای بخشی از جامعه ما جذاب و تماشایی هستند بلکه در آسیا و حتی اروپا تماشاگرانی یافته‌اند. فارغ از محتوای این آثار و کیفیت شان که البته از نظر ساختاری در مسیر رو به رشد است، آنچه به‌عنوان دستاورد می‌توان از آن یاد کرد روندی است که جریان سریال‌سازی در ترکیه طی کرده است. ترکیه در مقایسه با ایران هنر- صنعتی به نام سینما ندارد، اما ضعف در این زمینه را با تمرکز بر سریال‌سازی جبران کرده است. مهم‌ترین استراتژی در تولید سریال در این کشور اهمیت بیننده است. اگر مجموعه‌ای تماشاگر نداشته باشد حتی با وجود حضور ستاره‌ها ادامه نمی‌یابد. تهیه‌کنندگان در برابر خواسته بیننده مقاومت نمی‌کنند و حمایتی خارج از اراده مخاطب وجود ندارد که ادامه تولید یک سریال را تضمین کند. سریال‌سازی در ترکیه در هر شبکه و با هر تیمی که باشد یک شعار دارد و آن جذب مخاطب است؛ اتفاقی که متأسفانه سال‌هاست در تلویزیون رعایت نمی‌شود. کارگردان‌های موفق تلویزیون (حسن فتحی و رضا عطاران) براحتی جذب شبکه نمایش خانگی یا سینما شدند، موجی از کارگردان‌های درجه سه شروع کردند به ساخت آثاری بی‌کیفیت و بی‌مخاطب. برای پروژه‌هایی فصل دوم و سوم تعریف شد که جذابیتی برای تماشاگر سنتی تلویزیون هم نداشتند. اما بتازگی و پس از پایان پخش سریال «صفر بیست و یک» به کارگردانی جواد رضویان و پس از موج انتقادها به این مجموعه اخباری شنیده می‌شود که تولید سری دوم این سریال از دستور کار خارج شده است. این ابتدایی‌ترین حقی است که رسانه می‌تواند برای مخاطبش قائل باشد. در این روزها که بودجه نهادها و ارگان‌ها محدود است، اجازه ندادن به تولید آثار بدون بیننده مصداق صرفه‌جویی، مصرف بهینه بودجه و حتی جلوگیری از اتلاف وقت و انرژی محسوب می‌شود. جواد رضویان و سیامک انصاری بازیگران خوبی هستند اما این امتیاز، دلیلی برای ادامه مجموعه‌ای نیست که انتظارها را برآورده نکرده است. این یک اتفاق مبارک است که خیلی زودتر باید به سنت تبدیل می‌شد. آغاز یک تصمیم هوشمندانه که امید است بدون اما و اگر، ادامه یابد و همه پروژه‌ها و نام‌ها را شامل شود؛ لازم نیست ما مانند اغلب سریال‌های ترک، برای جذب تماشاگر به اوباج بدهیم، در دل همین مناسبات، با همین امکانات و در چارچوب قواعد تلویزیون سریال‌های «همسران»، «مسافران»، «میوه ممنوعه»، «پایتخت»، «روزی روزگاری»، «وضعیت سفید» و... ساخته شده‌اند که هنوز تکرارشان در شبکه آی‌فیلم بیننده دارد، اما انتخاب‌ها به نحوی بوده که با ضعیف شدن تیم‌های تولید سریال‌ها بیننده‌شان را از دست داده‌اند. توقف تولید مجموعه‌های بدون بیننده راهی است برای ارتقای کیفیت سریال‌ها، راهی منطقی که اگر ادامه یابد نتایج مبارکی خواهد داشت.

حالا بیا بخندیم

پیشنهاد

شماره هفدهم «سه‌نقطه» که مجله‌ای است برای خندندگان و خنداندگان با یادکردی از استاد محمدرضا شجریان منتشر شد و در دیباچه این شماره شعری از بیدل دهلوی و پیشنهاد به خنده شروع شده که می‌گوید: «بیدل درین ستمگاه از درد ناامیدی/ بسیار گریه کردیم اکنون بیا بخندیم» در این شماره احسان حسینی‌نسب، مریم حسن‌نژاد و فاطمه خسروانی از نسبت شخص و نسلشان با محمدرضا شجریان نوشته‌اند و «وجه مشترک خلوت منحصربه‌فرد ایرانیان معاصر»، «یادبادِ زنده‌رود» و «فقر صبر، فقر جنبه» عناوین سه یادداشت شجریانی سه‌نقطه‌اند. در قسمت پرونده مریم حسن‌نژاد، مریم نظام‌دوست، کوثر محبی، فاطمه خسروانی، فاطمه کلهر، فاطمه فهیمی، شیدا اعتماد و مریم فردی «درباره زن» نوشته‌اند. در بخش نیمخط سه‌نقطه هفدهم هم که ضمیمه کمی تا قسمتی جدی‌تر سه‌نقطه است، چهار یادداشت از نفیسه رحمانی می‌خوانید؛ «آسمانِ یک‌رنگِ زن بودن» که روایتی است از بدبختی‌ها و خوشبختی‌هایی که یک زنِ ایرانی در طول زندگی‌اش می‌کشد، «باور کنید زنِ ایرانی یک چیزهایی می‌پوشید» که تاریخچه حجاب را از زمان هخامنشیان تا امروز را بررسی می‌کند، «اسب را گم کرده‌ایم، پی نعلش می‌گردیم» که به واکاوی فمینیست پرداخته و «برای رضای خدا هم که شده زن باشیم، نه عروسک فرنگی» که زنان نامدارِ دیروز را در کنار نمونه‌های مشابه امروزی معرفی می‌کند. تهرانشهر شماره هفدهم سه‌نقطه، در مبدأ با یادداشت «جای دنجی برای زندگی و رفاقت و عاشقی» از سعید مروتی در مورد شهرک شهرداری آغاز می‌شود، در تهران مرکز مریم حسن‌نژاد با «موبایل نبود، ناخن‌کار بود» از زنان در شهر و موقعیت‌های شهری نوشته است. ابراهیم افشار در «شهری که دوست می‌داشتم» با «قتل فجیع روزنامه‌فروش در میدان سپه» داستانی از تهران قدیم را روایت کرده است و محمدحسین افخمی هرچند در این مطلب هم هنوز پرسش علت نامگذاری خیابان جردن را بی‌پاسخ گذاشته با «خانم روباه شگفت‌انگیز» قسمت «داستان یک شهر» را در این شماره ادامه داده است. هفدهمین شماره ماهنامه سه‌نقطه، که به مدیرمسئولی امید مهدی‌نژاد، سردبیری مرتضی کاردر و مدیریت هنری محمد صمدی منتشر می‌شود در ۲۱۶ صفحه در کتابفروشی‌ها، دکه‌های روزنامه‌فروشی و فروشگاه‌های آنلاین عرضه شده است.

به نام تاریخ

■ ۱۱ آذر

■ **تولدها**

وودی آلن: امروز هشتاد و پنجمین سالروز تولد نویسنده و کارگردان امریکایی است. وودی آلن در دوران دبیرستان با نوشتن قطعات طنز برای روزنامه‌ها کارش را آغاز کرد و پس از اینکه تحصیل در دانشگاه سینمایی نیویورک را رها کرد نویسنده کمدینی به‌نام دیوید آلبر شد. پس از آن به تلویزیون رفت و پس از ۵ سال فعالیت در تلویزیون بازیگر برنامه‌های طنز شد. «تازه چه خبر پوسی کت» نخستین فیلمنامه‌ای بود که در سال ۱۹۶۵ نوشت و یک سال بعد فیلم «چه خبر تایگر لی لی» را نوشت و کارگردانی کرد. «کازینو رویال»، «پول را بردار و فرار کن» و «عشق و مرگ» فیلم‌های بعدی او بودند اما سال ۱۹۷۷ با کارگردانی و بازی در فیلم «آنی هال» به شهرت رسید و جایزه اسکار بهترین کارگردانی را هم برد. پس از آن با فیلم‌های «زلیگ»، «هانا و خواهرانش»، «سپتامبر»، «داخلی»، «منهتن»، «داستان‌های نیویورکی»، «برادوی دنی رز»، «دزدهای خرده پا» و «هری ساختارشکن» کارش را ادامه داد. شهرت وودی آلن در این سال‌ها با فیلم‌های «امتیاز نهایی»، «رؤیای کاساندرا»، «ویکی کریستینا بارسلونا»، «تقدیم به رم با عشق»، «یاسمن پژمرده»، «نیمه شب در پاریس» و «یک روز بارانی در نیویورک» بیشتر شده است.

پری زنگنه: خواننده ایرانی سبک اپرا سال ۱۳۱۸ در چنین روزی به‌دنیا آمد. پری زنگنه در رشته اپرا در هنرستان عالی موسیقی تحصیل کرد و از اولین باغچه‌بان هم اپرا را یاد گرفت. پس از آن به ایتالیا، آلمان و اتریش سفر کرد و این رشته را در آکادمی‌های این کشورها خواند. علاوه بر اجرای اپرا در تالارهای بزرگ جهان پری زنگنه با آشنایی و تلاشش برای زنده کردن موسیقی محلی ایران شناخته می‌شود و ترانه‌های بومی و محلی ایران را بازسازی کرده است. آلبوم‌های «هزار آوا» و «شاه پری» و بازخوانی ترانه‌های محلی «شکار آهو»، «رشید خان»، «اسمر»، «بارون بارونه»، «بلال» و «گنجشگک اشی مشی» از آثار مشهور اوست. پری زنگنه کتاب‌هایی را هم در زمینه موسیقی و فرهنگ ایران مانند «آواز پری ها»، «آوای نام‌ها از ایران زمین»، «آن سوی تاریکی»، «پری لالایی ها» و «سرگذشت آواز من» نوشته و منتشر کرده است.

علی معلم دامغانی: شاعر و ترانه سرای ایرانی سال ۱۳۳۰ در چنین روزی به دنیا آمد. علی معلم دامغانی از شاعران نسل اول انقلاب اسلامی است و بسیاری از شعرهای مطرح دوران دفاع مقدس از اوست. «رجعت سرخ ستاره» نخستین کتابی است که از اشعار علی معلم در سال ۱۳۶۰ منتشر شد و سال ۱۳۹۳ هم گزیده اشعار او چاپ شد. علی معلم در طول سال‌ها فعالیتش ترانه سرای کارهای خوانندگانی مانند محمدرضا شجریان، محمد اصفهانی و مجید اخشابی بوده و ترانه «باران» از آلبوم «شب، سکوت، کویر» شجریان از آثار مشهور اوست.

سالار عقیلی: خواننده موسیقی سنتی ایران سال ۱۳۵۶ به دنیا آمد. سالار عقیلی موسیقی را از ۸ سالگی یاد گرفت و مدتی هم شاگرد صدیق تعریف برای آموختن آواز بود. سال ۱۳۷۵ در جشنواره موسیقی فجر برای نخستین بار روی صحنه آمد و با استقبال زیاد مخاطبان مواجه شد و پس از آن فرهاد فخرالدینی از او برای همکاری در ارکستر ملی دعوت کرد. پس از آن گروه «راز و نیاز» را تشکیل داد و با این گروه کنسرت‌های زیادی را در ایران و جهان اجرا کرد. «عشق ماند»، «به نام گل سرخ»، «عشق دیرین»، «می تراود مهتاب»، «یار مست»، «میهن» و ترانه سریال‌های «شهریار»، «تبریز در مه» و «معمای شاه» از آثار مشهور اوست.

■ **جلال آل احمد** نویسنده، **علی مصفا** بازیگر، **هادی خوانساری** شاعر، **مری مارتین** بازیگر و خواننده امریکایی، **مت منرو** خواننده انگلیسی، **جان دنزمور** موسیقی‌دان امریکایی، **بیلی چایلدیش** نقاش و نویسنده انگلیسی، **سارا سیلورمن** کمدین امریکایی و **امیلی مورتیمر** بازیگر انگلیسی هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت‌ها**

جیمز بالدوین: نویسنده امریکایی که با نوشته‌هایش در زمینه نژادپرستی شهرت دارد سال ۱۹۸۷ درگذشت. جیمز بالدوین متولد ۱۹۲۴ بود و پس از پایان دبیرستان سراغ ادبیات رفت. «برو به کوه‌ها بگویش» نخستین رمانش بود و پس از آن «اتاق جووانی» را نوشت و در سال ۱۹۶۱ مجموعه مقاله‌هایش را درباره‌نژاد سیاه و سفید در امریکا در کتاب «هیچ کس نام من را نمی‌داند» منتشر کرد. نمایشنامه «مرثیه‌ای برای آقای چارلی» هم اثر دیگر او در این زمینه است که با اجرا در برادوی مورد توجه قرار گفت.

● **اسماعیل زرافشان** عکاس، **مارکی دوساد** نویسنده فرانسوی، **روبیک زادوریان** کارگردان و تدوین‌گر و **گریستا ولف** نویسنده آلمانی هم در چنین روزی درگذشتند.

عکس نوشت

خانواده تونی موریسون، نویسنده امریکایی کتابخانه شخصی او را با بیش از ۱۲۰۰ جلد کتاب به حراج گذاشتند.
این کتابخانه در آپارتمان نویسنده در محله ترابیکا در منهتن نیویورک بوده و مجموعه‌ای نفیس از کتاب‌های شگفت‌انگیز مانند کتاب‌هایی از لنگستون هیوز، جیمز بالدوین، زورا نیل هرستون، سوزان سانتاگ، هیلاری منتل و کلینتون‌ها و اوباما، یک نسخه کلاسیک مصور طلاکوب از کتاب «آواز سلیمان» که در سال ۱۹۷۷ منتشر شده بود و یک نسخه کتابخانه‌ای از رمان خودش با عنوان «آبی‌ترین چشم» با حاشیه‌نویسی‌ها و خط گذاری‌های موریسون، است. این کتابخانه ۴ میلیون دلار قیمت‌گذاری شده است. موریسون سال ۲۰۱۹ زمانی که ۸۸ سال داشت، درگذشت.